

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی، زبان قرآن (۳)

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

جزوه جامع عربی دوازدهم - رشته های تجربی و ریاضی

تألیف: دکتر نعمت اله مقصودی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

با توجه به لزوم تغییر و به‌روز‌آوری منابع آموزشی در نظام آموزش و پرورش و به منظور تسهیل آموزش زبان عربی در مقطع متوسطه و کاربردی نمودن آن، گروه تألیف کتاب درسی عربی به تدوین کتابی جدید اقدام کرد که بتواند با محوریت مهارت‌های زبانی و تمرکز بیشتر بر روی فهم متون عربی و مکالمه آن، دانش‌آموزان پایه متوسطه اول و دوم را در راه رسیدن به این هدف یاری رساند.

در این نوشتار قصد داریم به دو حوزه گرامر و واژه‌آموزی در متن بپردازیم. بنابراین در هر درس، ابتدا واژه‌های مهم آن درس شرح می‌دهیم و نکات مربوط به هر یک در جدولی که در ابتدای هر درس قرار داده شده، می‌آوریم. سپس به گرامر مربوطه خواهیم پرداخت؛ زیرا بر این باوریم که این قواعد در مرحله ترجمه جملات به کار گرفته می‌شوند. در پایان نیز «خلاصه یا چکیده» ای از مطالب ارائه شده را بیان کرده و پس از آن، در قالب «اختبر نفسک: خودآزمایی» مورد ارزیابی قرار می‌دهیم تا میزان و کیفیت آموخته‌های دانش‌آموز سنجیده شود.

نعمت اله مقصودی

دکتری زبان و ادبیات عربی

اولین طراح سوالات آزمون‌های قلم‌چی از استان بوشهر

دبیر عربی مدارس نمونه امام خمینی، غیر انتفاعی هدف، دانشگاه خلیج فارس و شاهد

مدرس عربی کنکور مدارس آموزشگاه‌های هدف، هفت استاد، سرای دانش، افلاطون و...

شماره تماس: ۰۹۱۷۶۲۹۴۰۲۳

کانال تلگرام عربی نوین: @maghsoudi_arabi100

أَلْفِهْرِسُ

الموضوع	النص	القواعد	الصفحة
المقدّمة			٢
الدرس الأوّل	الدين والتدين	معاني الحروف المشبّهة بالفعل و لا النافية للجنس	٤
الدرس الثانى	مكّة المكرّمة والمدينة المنوّرة	الحال	٩
الدرس الثالث	الكُتُب طعام الفكر	الاستثناء و أسلوب الحصر	١٣
الدرس الرابع	الْفَرَزْدَق	المفعول المطلق	١٧

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

الدِّينُ وَ التَّدِينُ

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
التدین	اسم (مصدر علی وزن تفعل)	دینداری
الحضارات	اسم، جمع مؤنث (الحضارة: تمدن)	تمدنها
التمائیل	اسم، جمع التکسیر (التمثال: مجسمه - تندیس)	مجسمه‌ها - تندیس‌ها
اهتمام	اسم، مصدر علی وزن افتعال	توجه
تدلّ	فعل مضارع من فعل (دلّ)	بیان می‌کند
أَنْ يُتْرَكَ	فعل مضارع مجهول من فعل (ترك)	رها شود
لِيبِينُوا	فعل مضارع من فعل (بین)	تا نشان دهند
قد حَدَّثْنَا	فعل ماضی + مفعول (نا)	با ما سخن گفته است
لِنَذْكُرْ	فعل مضارع من فعل (ذکر)	باید یاد کنیم
أَنْ يُقَدَّ	فعل مضارع من فعل (أنقذ) علی وزن أفعل	تا نجات بدهد - تا برهاند
مَكْسَرَةٌ	اسم المفعول من فعل (كسّر)	شکسته شده
ظَنُّوا	فعل ماضٍ من (ظنّ)	گمان کردند
أَحْضَرُوا	فعل ماضٍ من (أحضر) علی وزن أفعل - مصدره (إحضار)	حاضر کردند
آلهة	اسم - جمع التکسیر، مفرده (إله)	خدایان
إِمَّا	حرف - أداة الحصر	فقط
أصنام	اسم، جمع التکسیر، مفرده (صنم)	بت‌ها



در این درس با دو گروه از حروف پرکاربرد آشنا می‌شویم که در ترجمه به فارسی دارای اهمیت بالایی هستند:

۱- حروف مشبّهه بالفعل ۲- حرف «لا» ی نفی جنس

۱- الحروف المشبّهة بالفعل (حروف همانند فعل، از نظر معنا)

(حروف مشبّهه بالفعل) حروفی هستند که در ابتدای جمله‌های «اسمیه» قرار می‌گیرند و معانی جدیدی را به آن جمله وارد می‌سازند. این حروف عبارتند از:

«إِنَّ: قطعاً، أَنْ: که، كَأَنَّ: مانند، لَكِنَّ: ولی، لَيْتَ: ای کاش و لَعَلَّ: شاید»

❖ إِنَّ (حرف تأکید)

این حرف مفهوم جمله پس از خود را (تأکید) می‌کند و به معنای (قطعاً، بدون شک، بی‌گمان) است.^۱

➤ (إِنَّ اللَّهَ بَعَادَةٌ لِرُؤُوفٍ رَحِيمٍ)

قطعاً خداوند به بندگانش بسیار مهربان و بخشایشگر است!

➤ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ أُرْسِلُوا لِهَدَايَةِ الْبَشَرِ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ

بدون شک پیامبران برای هدایت انسان به راه راست فرستاده شده‌اند!

نکته ۱: این حرف همیشه در ابتدای جملات و قبل از اسم قرار می‌گیرد. بنابراین، آن را با «إِنَّ: اگر» که قبل از فعل می‌آید، اشتباه نگیرید.

^۱ - مترجمان توصیه می‌کنند که بهتر است در ترجمه متون امروزی از (همانا) استفاده نشود!!

❖ اَنَّ (حرف ربط)

این حرف برای ربط دادن بین دو جمله بکار می‌رود و به معنای حرف ربط (که) در زبان فارسی است.

➤ (ألم يعلم بأنَّ الله يري) آیا انسان ندانست که خداوند او را می‌بیند؟!

➤ ظَنَّ الطَّالِبُ أَنَّ الأُسْتَاذَ لا يَأْتِي إلى الصف

دانشجویان گمان کردند که استاد به کلاس نمی‌آید!

نکته ۲: این حرف همیشه در میان جملات و قبل از اسم قرار می‌گیرد. بنابراین، آن را با «أَنَّ: تا» که قبل

از فعل می‌آید، اشتباه نگیرید.

❖ كَأَنَّ (حرف تشبیه)

این حرف برای تشبیه و بیان همانندی دو چیز بکار می‌رود و به معنای «گویی، مانند» است.

➤ كَأَنَّ السَّمَاءَ سَقْفٌ مَرْفُوعٌ فَوْقَ رُؤُوسِنَا

آسمان مانند سقفی برافراشته بالای سرماست!

➤ إِنَّ عَلِيًّا شَاحِبَ اللُّونِ، كَأَنَّهُ مَرِيضٌ!

علی رنگ‌پریده است، گویا بیمار است.

❖ لَكِنَّ (حرف استدراک^۱)

این حرف به منظور رفع ابهام و تکمیل مفهوم جمله قبل بکار می‌رود و به معنای «ولی» است.

➤ (إِنَّ الله لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَشْكُرُونَ)

قطعاً خداوند نسبت به مردم فضل و مهربانی دارد ولی بیشترشان شکرگزاری نمی‌کنند.

➤ الأُسْتَاذُ نَصَحَ طُلَّابَهُ لِمَطَالَعَةِ دَرُوسِهِمْ وَلَكِنَّهُمْ لا يَسْتَمْعُونَ إِلَيْهِ!

استاد دانشجویانش را به مطالعه درس‌هایشان نصیحت کرد ولی آنها به او گوش ندادند.

^۱ استدراک یعنی رفع ابهام و معادل کلمه **but** در زبان انگلیسی است.

❖ لیت (حرف تمنی یا آرزو)

از این حرف برای بیان آرزو استفاده می‌شود و به معنای «ای کاش» است.

➤ (یا لیت لنا مثل ما أوتی قارون)

ای کاش ما هم ثروتی قارون را می‌داشتیم!

➤ لیت الشباب يعود فأستفید من لحظاته من جدید!

ای کاش جوانی برگردد تا دوباره از لحظاته استفاده کنم!

➤ یا لیت صدیقی یساعدنی فی تعلّم اللّغة العربیة!

ای کاش دوستم در یادگیری زبان عربی به من کمک کند!

❖ لعل (حرف ترجی: بیان احتمال و امید به انجام یک کار)

از این حرف برای بیان احتمال تحقق یا انجام یک کار استفاده می‌شود و به معنای «شاید - امید است» است.

➤ (و ما یدریک لعل الساعة تكون قریباً)

تو چه می‌دانی، شاید قیامت نزدیک باشد!

➤ لعلنی أشرک فی حفلة میلاد صدیقی!

شاید در جشن تولد دوستم شرکت کنم!

نکته مهم ترجمه (لیت و لعل):

با توجه به معنای این دو کلمه (ای کاش، شاید)، توصیه می‌شود که فعل مضارعی که پس از این دو حرف می‌آید را به «مضارع التزامی» ترجمه کنیم. ولی اگر یک فعل ماضی بعد از این دو فعل قرار بگیرد، می‌توان

به شکل «ماضی استمراری یا ماضی بعید» ترجمه نمود.

<p>فعل مضارع التزامی فارسی: «ب + فعل»:</p> <p>لیت صدیقی یتعد عن الكسل: ای کاش دوستم از تبلی دست بردارد!</p>	<p>لیت و لعل + فعل مضارع</p>
<p>فعل گذشته استمراری فارسی: «می + فعل گذشته»</p> <p>فعل گذشته دور: «فعل گذشته + ه + بود»</p> <p>لیت صدیقی ابتعد عن الكسل: ای کاش دوستم از تبلی دست برمی داشت!</p> <p>لیت صدیقی ابتعد عن الكسل: ای کاش دوستم از تبلی دست برداشته بود!</p>	<p>لیت + فعل ماضی</p>

۲- «لا» نفی جنس (نفی کامل وجود یک چیز)

از این حرف برای نفی مطلق وجود یک چیز بکار می رود و در ترجمه آن ضروری است که از «هیچ...» استفاده شود!!!

نکته ۳: این حرف همیشه قبل از اسم بدون تنوین و «ال» به کار می رود

➤ (لا علم لنا إلا ما علمتنا)

جز آنچه به ما یاد داده ای هیچ دانشی نداریم.

➤ لا میراث کالأدب، ولا کنز أغنی من القناعة!

هیچ میراثی مانند ادب وجود ندارد و هیچ گنجی پربارتر از قناعت نیست!

➤ لا لباس أجمل من العافية

هیچ لباسی زیباتر از عافیت نیست!

➤ لا دین لمن لا عهد له!

کسی که به قول خود وفا نکند هیچ دینی هم ندارد!

انواع «لا» که تاکنون یاد گرفته‌ایم:

- ۱- «لا» نفی فعل مضارع: لا یظلمُ: ستم نمی‌کند
- ۲- «لا» نهی فعل مضارع (ویژه فعل‌های دوم شخص): لا تظلمُ: ستم نکن!
- ۳- «لا» نهی فعل مضارع که معنای «نباید» می‌دهد (ویژه فعل‌های اول و سوم شخص): لا نظلمُ: نباید ستم کنیم!
- ۴- «لا» نفی مطلق و کامل یک اسم: لا جهادَ کجهداد النفس: هیچ پیکاری مانند مبارزه با نفس نیست!

خلاصه درس

- ✓ حروف مشببه بالفعل عبارتند از:
«إِنَّ: قطعاً، أَنْ: که، كَأَنَّ: مانند، لَكِنَّ: ولی، لَيْتَ: ای کاش و لَعَلَّ: شاید»
- ✓ «إِنَّ: برای تأکید، أَنْ: برای ارتباط، كَأَنَّ: برای همانندی، لَكِنَّ: برای رفع ابهام، لَيْتَ: برای بیان آرزو و لَعَلَّ: برای بیان احتمال» در جمله استفاده می‌شود.
- ✓ فعل مضارع پس از «لَيْتَ و لَعَلَّ» به شکل مضارع التزامی ترجمه می‌شود!
- ✓ فعل ماضی پس از «لَيْتَ» به شکل ماضی استمراری و ماضی بعید ترجمه می‌شود!
- ✓ ضروری است که در ترجمه «لا» ی نفی جنس از «هیچ» استفاده کنیم!
- ✓ «لای نفی جنس» همیشه قبل از اسم بدون تئوین و «ال» به کار می‌رود

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: ترجم عبارات حسب ما تعلمت من القواعد!

۱- لا شعَبَ من شعوب الأرضِ إلا و كان له دينٌ و طريقةٌ للعبادة!

۲- اهتمامُ الإنسانِ بالدينِ يدلُّ على أنَّه فطريٌّ في وجوده، لكنَّ عباداته و شعائره كانت خرافيةً.

۳- إِنَّ اللهَ قد أرسلَ الأنبياءَ لهدايةِ الإنسانِ إلى الصراطِ المستقيمِ و الدينِ الحقِّ.

۴- كانَ الناسُ يشاهدون أنَّ الأسماكَ تتساقطُ على الأرضِ، كأنَّ السماءَ تُمطرُ عليهم مطرَ السمك!

الدَّرْسُ الثَّانِي

مَكَّةُ الْمَكْرَمَةِ وَالْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ

مُشْتَقِّينَ	اسم فاعل - قيد حالت	با اشتیاق
تَمَّرٌ	فعل مضارع، مصدره (مرور)	رد می شود، عبور می کند
ذَكَرِيَّاتٍ	اسم - جمع التکسیر، مفرده (ذکر)	خاطرات
أَدَيْتَ	فعل ماض، مصدره (أداء)	بجا آوردی، انجام دادی
اشْتِاقٌ	فعل ماض، مصدره (اشتیاق)	اشتیاق پیدا کرده است
يَتَذَكَّرُ	فعل مضارع، مصدره (تذکر)	به یاد می آورد
إِضَافَةٌ إِلَى	اسم - مصدر من (أضاف)	علاوه بر....
رَمِي	اسم - مصدر من (رَمَى، يرمي)	پرتاب

اعْلَمُوا

موضوع الدرس: الحال «قيد حالت»

در هر جمله ای با دو نوع کلمه روبرو هستیم:

- ۱- ارکان جمله: کلماتی هستند که جمله با وجود آنها شکل می گیرد، و با حذف آنها، ساختار جمله از هم می پاشد. مانند: «مبتدا و خبر» در جمله اسمیه و «فعل، فاعل، مفعول» در جمله فعلیه.
- ۲- قیدهای جمله: کلماتی هستند که جمله بدون وجود آنها هم شکل می گیرد، و با حذف هر آنها، ساختار جمله از هم نمی پاشد. مانند قید تأکیدی، قید بیانی، قید حالت و...

در این درس با قید حالت یا «حال» در زبان عربی و چگونگی ترجمه آن آشنا می‌شویم.

جملات زیر را ترجمه و با هم مقایسه کنید

گروه ۲

گروه ۱

یزرعُ الفلّاحُ المجتهدُ أشجاراً في الحديقة مجتهداً	۱- يزرعُ الفلّاحُ المجتهدُ أشجاراً في الحديقة
کشاورز درختانی را با تلاش و کوشش در باغ می‌کارد	کشاورز تلاشگر درختانی را در باغ می‌کارد
شاهدتُ المعلمَ نشيطاً في الصف	۲- شاهدتُ معلماً نشيطاً في الصف
معلم را در کلاس بانشاط وفعال مشاهده کردم	معلم بانشاط وفعالی را در کلاس مشاهده کردم
رجع اللاعبون مبتسمين من المسابقة	۳- رجع اللاعبون المبتسمون من المسابقة
بازیکنان خوشحال از مسابقه برگشتند	بازیکنان خوشحال از مسابقه برگشتند
تجهدتُ الطالباتُ في أداء الواجبات المدرسية راضيات	۴- تجهدتُ الطالباتُ الراضياتُ في أداء الواجبات المدرسية
دانشجویان با خشنودی در انجام تکالیف مدرسه تلاش می‌کنند	دانشجویان خشنود در انجام تکالیف مدرسه تلاش می‌کنند

نتایجی که از بررسی جملات ردیف‌های این جدول بدست می‌آید:

۱- در جملات گروه ۱، «المجتهدُ، نشيطاً، المبتسمون و الراضياتُ»، یکی از ویژگی‌های اسم قبل از خود (موصوف) را بیان می‌کنند. و از نظر ظاهری (معرفه و نکره بودن)، با موصوفشان هماهنگ هستند.

۲- ولی در جملات گروه ۲، «مجتهداً، نشيطاً، مبتسمين و راضياتُ» حالت اسم قبل از خود (مرجع) را بیان می‌کنند و از نظر ظاهری (معرفه و نکره بودن) با مرجعشان هماهنگ نیستند

❖ نکته ۱: مرجع حال در زبان عربی، همیشه به صورت معرفه (اسم خاص، اسم دارای ال) بکار می‌رود!

➤ اسم خاص: ← اشتغل منصوّر في المزرعة نشيطاً

➤ اسم دارای «ال»: ← وصل المسافر متأخراً إلى المطار.

❖ نکته ۲: قید حالت در زبان عربی می‌تواند هم به صورت یک اسم نکره و هم به شکل یک جمله (فعلیه یا اسمیه) بکار برود.

➤ اسم نکره: ← وقف المهندس الشاب في المصنع مبتسماً

➤ جمله فعلیه: ← وقف المهندس الشاب في المصنع يبتسم

❖ نکته ۳: چنانچه حال به صورت یه جمله اسمیه باشد، ضروری است که با یک حرف «واو» به جمل قبل وصل شود. به این حرف، «واو حالیه» گفته می‌شود.

الف. رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ.	ب. أَشَاهِدُ قَاسِمًا وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ.
کشاورز را دیدم، در حالی که محصول را جمع می‌کرد.	قاسم را می‌بینم، درحالی که میان دو درخت نشسته است.
	

❖ نکته ۴: ملاحظه می‌کنید که «فعل درون جمله حالیه» با توجه به فعل جمله اصلی ترجمه می‌شود:

ماضی + مضارع ← ماضی استمراری	• شَاهَدْتُ الطَّالِبَ وَ هُوَ يَطَّالِعُ كِتَابَهُ دانشجو را مشاهده کردم که کتابش را مطالعه می‌کرد
ماضی + ماضی ساده یا نقلی ← ماضی بعید	• سَلَّمْتُ عَلَى الْفَلَّاحِ وَ هُوَ حَصَدَ / قَدْ حَصَدَ محاصیلَه به کشاورز سلام کردم در حالی که او محصولاتش را درو کرده بود

خلاصه درس

- ✓ حال یا قید حالت در زبان عربی اسمی است نکره که حالت اسم قبل از خود (مرجع) را بیان می کند!
- ✓ مرجع حال باید معرفه (اسم خاص یا اسم دارای ال) باشد!
- ✓ قید حالت در زبان عربی به شکل جمله (اسمیه یا فعلیه) هم بکار می رود که به آن «جمله حالیه» می گویند!
- ✓ ضروری است که جمله حالیه «اسمیه» به همراه (واو حالیه) آورده شود!
- ✓ فعل جمله حالیه با توجه به فعل اصلی ترجمه می گردد!

گذشته استمراری	ماضی + مضارع
گذشته دور	ماضی + ماضی

عین الحال في الجملات التالية، ثم ترجمها إلى الفارسية

- ۱- وصل المسافرونَ إلى المحطّة متأخرينَ، وركبوا الحافلة!
- ۲- أنا شاهدتُ جماعةً من المسافرين واقفين أمام المسجد.
- ۳- إنَّ سمكةً «تيلابيا» تُدافع عن صغارها وهي تسيّر معها!
- ۴- قامت التلميذات بجولةٍ علميةٍ وهنَّ مبتسماتٌ.
- ۵- رأى عارفٌ دموعَ والديه تتساقط من أعينهما.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْكَتْبُ طَعَامُ الْفِكْرِ

وجود دارد، یافت می شود	فعل مضارع مجهول، مصدره «وجدان»	تُوجَدُ
فایده‌ها	اسم، جمع التکسیر، مفرده «مزیتة»	مزایا
محدود ساختن، مشخص نمودن	مصدر مزید ثلاثی من باب تفعیل	التحدید
هر دو	اسم	کلاهما
در گذر	جار و مجرور (حرف+اسم)	علی مَرَّ
چندین	اسم جمع	عدَّة
وجود دارد	اسم ^۱	هناك + اسم نكرة

اعلموا

موضوع الدرس: أساليب الجملة: ۱- أسلوب الاستثناء ۲- أسلوب الحصر

در همه زبان‌ها از شیوه‌ها و سبک‌های مختلفی در بیان موضوعات استفاده می‌شود. «استثناء» و «حصر» دو مورد از اسلوب‌هایی است که در بیشتر زبان‌ها وجود دارد و هر یک برای هدفی بکار می‌رود:

اسلوب استثناء ← جدا کردن چیزی از بقیه!

اسلوب حصر ← اختصاص دادن چیزی به شخصی یا موضوعی!

۱- اگر (هناك) قبل از یک اسم نکره قرار بگیرد، دیگر اسم اشاره مکانی دور (آنجا) نیست، و به معنای «وجود داشتن» است!

۱- أسلوب الاستثناء

جملات «الف و ب» زیر را ملاحظه و با هم مقایسه کنید:

الف) حضر أصدقائي في حفلة ميلادي و ما حضر سعيداً فيها! ← گروه ۱
ب) حضر أصدقائي في حفلة ميلادي إلا سعيداً!

الف) كل شيء ينقص بالإنفاق ولا ينقص العلم به! ← گروه ۲
ب) كل شيء ينقص بالإنفاق إلا العلم!

ملاحظه کردیم که در جملات «الف» از هر گروه، دو جمله به دنبال هم بیان شده که تکرار واژه‌های (حضر - ينقص) به فصاحت و زیبایی آن لطمه زده است. ولی در جملات «ب» با بکارگیری اسلوبی کارآمد، از تکرار واژه‌ها خودداری کردیم و به جای آن از کلمه جدا کننده «إلا» استفاده نمودیم تا بدون لطمه واردن شدن به مفهوم دو جمله، شخصی یا چیزی را از بقیه جدا کنیم. به چنین سبکی در زبان، اسلوب استثناء گفته می‌شود. بنابراین اسلوب استثناء از سه رُکن تشکیل می‌شود:

- ۱- شخص یا چیزی که از بقیه جدا می‌شود ← مستثنی
- ۲- کلمه‌ای که مستثنی از آن جدا می‌شود ← مستثنی منه
- ۳- کلمه‌ای که این دو را از هم جدا می‌کند ← أدوات استثناء

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ. تَرَجِمَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى وَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ.

۱- ﴿... كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ...﴾ الْقَصَص: ۸۸

۲- ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا ابْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ صَاد: ۷۳ و ۷۴

۳- كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ: عَيْنُ سَهْرَتٍ^۱ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَيْنُ غُضَّتٍ^۲ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَ عَيْنُ فَاضَتْ^۳ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲- أسلوب الحصر

«حصر» در لغت به معنای اختصاص دادن است. گاهی از اوقات تصمیم می‌گیریم که چیزی را به شخص یا موضوعی منحصر کنیم؛ به این معنا که آن چیز فقط در اختیار همان شخص باشد و از دیگران سلب گردد. به عنوان مثال اگر بخواهیم موضوع «رستگاری و نجات» را فقط و فقط در انحصار «انسان راستگو» قرار دهیم، می‌توانیم از اسلوب حصر استفاده نماییم و به این شکل بیان کنیم:

لا يفوز في الحياة إلا الصادقُ: فقط راستگو در زندگی رستگار می‌شود!!

در این عبارت، راستگویی را کاملاً در انحصار «انسان راستگو» قرار دادیم و از «انسان دروغگو» سلب نمودیم.
نکته ۱:

جمله قبل از «إلا» در اسلوب حصر باید منفی و «مستثنی منه» هم محذوف باشد!!!
ما رسب في الامتحان إلا الطالب المتكاسل ← ما رسب (شخص) في الامتحان إلا الطالب المتكاسل
لا أشاهد في المكتبة إلا كاظماً ← لا أشاهد (شخصاً) في المكتبة إلا كاظماً

نکته ۲:

پیشنهاد می‌کنیم که جملات دارای اسلوب حصر را به شکل مثبت (بدون قید نفی) و به همراه کلمه «فقط» ترجمه کنیم و از ترجمه تحت اللفظی آن خودداری نماییم؛ زیرا هدف از این اسلوب انحصار است نه جدا کردن!
مثال:

۱- (لا ييأس من روح الله إلا القوم الكافرون) ← (لا ييأس (شخص) من روح الله إلا القوم الكافرون)

فقط بی‌دین‌ها از رحمت خداوند نا امید می‌شوند!

۲- لا نشاهد في حياة العقاد إلا النشاط في العمل ← لا نشاهد في حياة العقاد (شيئاً) إلا النشاط في العمل

ما در زندگی عقاد فقط تلاش در کار را مشاهده می‌کنیم!

خلاصه درس

- ✓ هدف از اسلوب استثناء، جدا کردن چیزی از بقیه و هدف از اسلوب حصر، اختصاص دادن چیزی به یک شخص یا موضوع است!
- ✓ اسلوب استثناء به ترتیب از سه بخش تشکیل می‌شود:
مستثنی منه + ادات استثناء + مستثنی
- ✓ ضروری است که جمله قبل از «إلا» در اسلوب حصر، منفی باشد!
- ✓ پیشنهاد می‌کنیم که جمله دارای اسلوب حصر را به شکل مثبت (بدون قید نفی) و به همراه کلمه «فقط» ترجمه کنید و از ترجمه تحت اللفظی آن خودداری نمایید.

عین المستثنی والمستثنی منه، ثمّ ترجم العبارات التالية

۱- (و ما یکفرُ بها إلا القوم الفاسقون)

۲- (و من یغفر الذنوب إلا الله)

۳- قرأتُ دروس کتابی إلا الدرّسَ الأخيرَ

۴- رافقني في السفرة العلمية زملائي إلا محمد

۵- لا تستشِرْ في أمورک إلا العاقلَ

۶- کلّ ذي نعمةٍ محسودٌ إلا صاحبَ التواضع

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

الْفَرَزْدَقُ

جاء بِـ	فعل ماضٍ، مصدره «مَجَى»	بُرِد
يَكَادُ يَكُونُ	فعل مضارع = مضارع ملموس في الفارسية	دارد می شود
رَحَلَ	فعل ماضٍ، مصدره «رَحِيل»	کوچ کرد، سفر کرد
نَالَ	فعل ماضٍ، مصدره «نَيْل»	بدست آورد
سَمَحَ	فعل ماضٍ، مصدره «سَمَاحاً»	اجازه دادند
ضَائِرٌ	اسم فاعلٍ، من فعل «ضَار» مصدره (ضَيْر)	آسیب زننده

اعلموا

موضوع الدرس: المفعول المطلق

اگر از ما درباره «مصدر» فعل‌ها در زبان عربی پرسیده شود پاسخ می‌دهیم مصدر کلمه‌ای است که انجام یک کار را بدون ارتباط به انجام‌دهنده و زمانش بیان می‌کند. خوب است که بدانیم همین مصادر گاهی اوقات نقش یکی از قیده‌های پرکاربرد را در جملات ایفاء می‌کنند. این قیده‌ها در زبان عربی به «مفعول مطلق» معروفند و فقط به «فعل جمله» می‌پردازند و برای دو هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند:

۱- تأکید انجام فعل جمله ۲- بیان کیفیت انجام فعل جمله

برای فهم بهتر موضوع به جملات زیر توجه کنید و معانی آنها را با هم مقایسه نمایید:

۱- أنا أجتهدُ في أعمالي من در کارهایم تلاش می‌کنم!

۲- أنا أجتهدُ في أعمالي اجتهاداً من در کارهایم قطعاً تلاش می‌کنم!

۳- أنا أجتهدُ في أعمالي اجتهاداً صادقاً من در کارهایم صادقانه تلاش می‌کنم!

۴- أنا أجتهدُ في أعمالي اجتهادَ الصالحين من در کارهایم مانند درستکاران تلاش می‌کنم!

ملاحظه می‌کنید چگونه در ۳ جمله آخر، از مصدر برای بیان «تأکید» و «کیفیت» انجام فعل جمله استفاده شده است؛ به این صورت که:

۱- مصدر بدون صفت یا مضاف الیه ← ← برای بیان تأکید انجام فعل جمله ← ← مفعول مطلق تأکیدی

۲- مصدر به همراه صفت یا مضاف الیه ← ← برای بیان تأکید انجام فعل جمله ← ← مفعول مطلق بیانی

نکات ترجمه مفعول مطلق

❖ اگر مصدر فعل جمله بدون مضاف الیه و صفت بکار برود، در ترجمه از قیدهای تأکیدی مانند «بی‌گمان، بدون تردید، حتماً، قطعاً، ...» استفاده می‌کنیم:

➤ ينجحُ الإنسانُ المجتهدُ في حياته اجتهاداً

انسان زحمتکش قطعاً در زندگی‌اش موفق می‌شود!

➤ يعتمدُ الطلابُ المجتهدونُ على قدراتهم اعتماداً

دانشجویان تلاشگر بی‌تردید به توانایی‌هایشان اعتماد دارند!

❖ ولی اگر فعل جمله به همراه صفت بکار برود، می‌توانیم از قیدهای بیانی (به طور، به گونه، به سختی...) استفاده کنیم یا اینکه به ترجمه همان صفت بسنده کنیم.

➤ جلسْتُ في تلك المدينة جلوساً غريباً

من در آن شهر به گونه‌ای غریب یا غریبانه نشستم!

➤ قد أثرت الثقافةُ الفارسيةُ في الثقافة العربية تأثيراً كاملاً

فرهنگ فارسی به طور کامل یا کاملاً در فرهنگ عربی تأثیر گذاشته است!

نکته مهم: اگر بعد از مصدر یک جمله وصفیه قرار بگیرد، می‌توانیم از کلماتی مانند «چنان، آنگونه،

به گونه‌ای، به شکلی و... استفاده نمود:

➤ إِحْتِرَامٌ أَبَاكَ إِحْتِرَامًا يَلِيْقٌ بِهِ

به پدرت آنگونه که شاید اوست احترام بگذار!

➤ تَعَلَّمْنَا مِنَ الْأُسْتَاذِ دِرْسًا لِنُنْ أُنْسَاهُ أَبَدًا

چنان درسی از استاد آموختیم که هرگز آن را فراموش نخواهیم کرد!

❖ و در پایان اگر پس از مصدر از مضاف الیه استفاده شود، از کلمات تشبیه (همچون، همانند، ...) استفاده می‌شود:

➤ الْمُؤْمِنُ يَعْبُدُ اللَّهَ عِبَادَةً التَّائِبِينَ

انسان مومن خداوند را مانند توبه‌کنندگان عبادت می‌کند!

➤ إِسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ ذُنُوبِكَ إِسْتِغْفَارَ النَّادِمِينَ

از خداوند همچون انسان‌های پشیمان آمرزش بخواه!

خلاصه درس

✓ در زبان عربی گاهی وقت‌ها، از مصادر برای «تأکید» و «بیان کیفیت» انجام فعل استفاده می‌شود که در این صورت مفعول مطلق نامیده می‌گردد.

- مصدر بدون صفت یا مضاف الیه ← برای بیان تأکید انجام فعل جمله ← مفعول مطلق تأکیدی

- مصدر به همراه صفت یا مضاف الیه ← برای بیان تأکید انجام فعل جمله ← مفعول مطلق نوعی یا

بیانی

✓ در ترجمه مفعول مطلق تأکیدی از قیدهای تأکیدی مانند «بی‌گمان، بدون تردید، حتماً، قطعاً، ...» استفاده می‌کنیم.

✓ اگر مفعول مطلق نوعی (مصدر + صفت) باشد به دو شکل ترجمه می‌شود:

۱- استفاده از قیدهای بیانی (به طور، به گونه، به سختی...)

۲- فقط ترجمه همان صفت

❖ نکته مهم: اگر بعد از مصدر یک جمله وصفیه قرار بگیرد، میتوانیم از کلماتی مانند «چنان، آنگونه، به گونه‌ای، به شکلی و...» استفاده نمود

✓ ولی اگر پس از مصدر از مضاف الیه بیاید، از کلمات تشبیه (همچون، همانند، ...) استفاده می‌شود!

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنَ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ، ثُمَّ تَرْجَمُ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ حَسَبَ مَا تَعَلَّمْتَ مِنَ الْقَوَاعِدِ

۱- قد تقدّمت العلوم الطبيعية تقدماً رائعاً خلال السنوات الأخيرة.

۲- إنّ الجنود قاتلوا الأعداء قتال الأبطال في ساحات الحرب.

۳- يحترم التلاميذ معلّميهم احتراماً لن ينسوه أبداً

۴- عليك أن تُفكّر في انتخاب الصديق المناسب تفكّراً

۵- سأشاهد هذا البرنامج في الأسبوع القادم مشاهدةً